

# عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته  
توسط ربای ساکس

"من باور دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: במידבר ۵۷۸۰

جامعه برابری خواه به سبک یهودی

Rabbi Lord Jonathan Sacks

Bamidbar 5780

Egalitarian Society, Jewish-Style

پاراشای במידבר را در شبات پیش از شاوועوت، یا *z'man matan torateinu*، زمان اعطای تورات و وحی کوه سینا، می خوانیم. بنابر این، حکیمان با این باور که هیچ چیزی اتفاقی نیست، به جستجوی ارتباطی میان آنها برآمدند.

یافتن چنین ارتباطی آسان نیست. در پاراشا چیزی پیرامون اعطای تورات نیامده است. در عوض به سرشماری بنی اسرائیل می پردازد. صحنه پردازی آن نیز کمکی نمی کند. در ابتدا به ما گفته می شود که رویدادهایی که بازگو خواهند شد در صحرای سینا رخ دادند، در حالی که وقتی تورات درباره وحی بزرگ سخن می گوید، به کوه سینا اشاره دارد. اولی نام کلی یک منطقه و دیگری کوهی مشخص در آن منطقه است. برعکس، برای ترک آنجا آماده می

شوند. می روند تا بخش دوم سفر خود را از سینا به سوی سرزمین موعود آغاز کنند. با این همه، حکیمان تلمودی ارتباطی یافته اند که اتفاقاً بسیار شگفت انگیز است:

و خدا در صحرای سینا با موسی سخن گفت (اعداد ۱:۱). چرا صحرای سینا؟ در اینجا حکیمان به ما می آموزند که تورات از سه گذر آتش، آب و بیابان به ما داده شد. از کجا می فهمیم از راه آتش؟ از سفر خروج ۱۹:۱۸: "و کوه سینا غرق در دود بود وقتی که خدا درون آتش بر آن فرود آمد." چگونه می فهمیم از راه آب؟ زیرا در داوران ۵:۴ گفته می شود: "آسمان لرزید و ابرها آب فرو ریختند [در سینا]." چگونه می فهمیم از راه بیابان؟ [چنان که در بالا گفتیم] "و خدا در بیابان سینا سخن گفت." و چرا تورات از گذر این سه داده شد؟ زیرا همان گونه که آتش، آب و بیابان برای تمام ساکنان دنیا رایگان هستند، کلام تورات نیز آزادانه در اختیار همه مردم دنیا قرار دارد، چنان که در ישعیا ۵۵:۱ آمده: "ای تمامی کسانی که تشنه هستید! به سوی آب بیایید... حتی اگر هیچ پولی ندارید..."<sup>1</sup>

میدرآش سه کلمه را در ارتباط با سینا می داند - آتش (که پیش از وحی در کوه زبانه کشید)، آب (در جمله ای در سرود دבורا) و بیابان (در ابتدای پاراشای این هفته و نیز در خروج ۱-۲:۱۹)، و آنها را به هم چنین ربط می دهد: آنها برای تمام ساکنان دنیا رایگان هستند!"

این تداعی را همه ما برقرار نمی کنیم. آتش، داغی و گرما و انرژی را تداعی می کند. آب، فرونشاندن تشنگی و رشد حیات را تداعی می کند. بیابان فضایی بی نشان است که در آنجا نه از مبداء و نه از مقصد خبری نیست و به راهنشان و مسیریابی نیاز دارید. پس، هر سه برای تورات استعاره هایی مناسب هستند. تورات گرم می کند. تشنگی روحانی را برطرف می

---

<sup>1</sup> Bamidbar Rabbah 1: 7.

سازد. مسیر را مشخص می کند. اما این هنوز مساوی دیدگاه حکیمان نیست. آنچه برای آنها اهمیت داشت این بود که هر سه رایگان هستند.

اگر لحظه ای به مقایسه بیابان با تورات فکر کنیم در می یابیم که تشبیه های بس مناسبتری ممکن بودند. بیابان مکانی است ساکت که می توانید به صدای خدا گوش دهید. بیابان مکانی است دور از مشغولیت های آبادی ها، شهرها، مزارع و کشتزارها که می توانید آنجا روی حضور خدا تمرکز کنید. بیابان جایی است که متوجه آسیب پذیری خود می شوید: آنجا شما خود را رمه ای نیازمند شبان می یابید. بیابان جایی است که به آسانی گم می شوید و به یک معادل روحانی برای نقشه گوگل نیاز دارید. بیابان، مکانی است که احساس انزوا می کنید و به نیرویی ورای خود پناه می برید. حتی نام عبری بیابان، *میدبار*، از ریشه واژه *دوار* به معنای واژه و سخن گفتن (د-ب-ر) می آید. اما اینها دلایل حکیمان تلمودی در میدراش نبودند. چرا نبودند؟

حکیمان تلمودی می دانستند که کار عمیقی در کوه سینا انجام شد که از آن لحظه، زندگی یهودیان را متمایز ساخت. این کار، *دموکراتیزه کردن شناخت* بود. سواد و شناخت قانون، دیگر در انحصار کاهنان نخبه نبود. برای نخستین بار در تاریخ، هر کسی به شناخت، تحصیل و سواد دسترسی پیدا می کرد. "قانونی که موسی به ما جماعت یعقوب داد" (تثنیه ۴:۳۳) - کل جماعت و نه گروهی ممتاز در میان آنها. نماد آن، وحی کوه سینا بود که تنها مورد آشکارگی خدا نه بر یک پیامبر، بلکه به کل ملتی بود که سه بار موافقت خود با دستورها و عهد بیان کرده بودند. موسی در قانون یکی مانده به آخری که به قوم داد و *Hakhel* نام دارد، چنین دستور عملی داد:

در پایان هر هفت سال در سال شمیطا و هنگام جشنواره سوکا وقتی همه بنی اسرائیل در پیشگاه خداوند، خدای خود، در مکان برگزیده او حاضر می شوند، باید در برابر

آنها این قانون را بخوانید و آنها گوش بدهند. مردم را گردبیاورید - مردان، زنان و کودکان و غریبانی که در آبادی های شما زندگی می کنند - تا حس هیبت در برابر خدا را بیاموزند و تک تک این قوانین را به جا بیاورند. فرزندان آنها که این قانون را نمی دانند باید آنها بشنوند و تا زمان اقامت شما در سرزمینی که اینک برای رسیدن به آن از رود اردن می گذرید، حس هیبت در برابر خدا را بیاموزند". (تثنیه ۱۳-۱۰:۳۱).

بازتاب این آیه مشهور در یسعیا ۵۴:۱۳ دیده می شود: "و تمامی فرزندان شما درباره خدا بیاموزند و فرزندان شما در صلح عظیمی به سر خواهند برد". این نکته، ویژگی منحصر به فرد تورات همچون قانون اساسی ملت یهود به سروری خدا بوده و خواهد ماند. از هر فرد انتظار می رود که نه تنها قانون را رعایت کند، بلکه آنها بداند. یهودیان به ملتی از وکلای حافظ قانون اساسی تبدیل شدند.

دو لحظه تاریخی کلیدی دیگر در گسترش این نقش شرکت کردند. نخستین لحظه، زمانی بود که پس از بازگشت از بابل، عذرا و نحمیا مردم را در روز رش هسانا در دروازه آب اورشلیم گردآوردند، تورات را برای آنها خواندند و لوی ها را در میان جمعیت گماشتند تا به مردم معنای آنچه خوانده می شد را بگویند. این لحظه ای تعیین کننده در تاریخ یهود بود که گردهمایی نه برای جنگ، بلکه جهت یک برنامه آموزشی بزرگسالان (نحمیا ۸) برگزار می شد. عذرا و نحمیا دریافتند که مهمترین جنگ ها برای تضمین آینده یهودیان جنبه فرهنگی داشتند و نه نظامی. این یکی از دگرگون سازترین تصمیم ها در تاریخ بود.

دومی، ابداعی جدید در قرن اول میلادی در برقراری نخستین نظام آموزش اجباری بود. تلمود این روند را با اشاره به یهوشوع بن گاملا، کوهن گادولی در آخرین روزهای معبد دوم، چنین توصیف می کند:

به راستی نام آن مرد، یعنی یهوشو بن گاملا، به نیکی پایدار باد، زیرا اگر به همت او نبود تورات از میان اسرائیل رخت بر می بست. زیرا اوایل، اگر کودکی پدر داشت، پدرش باید به او تورات می آموخت و اگر پدر نداشت اصلاً نمی آموخت... از این رو آنها دستور دادند که هر آبادی معلمانی داشته باشد و پسران در سن شانزده یا هفده سالگی به مدرسه بروند. [چنین می کردند] اما اگر معلم آنها را تنبیه می کرد، یاغی می شدند و مدرسه را ترک می گفتند. در نهایت، یهوشو بن گاملا آمد و مقرر نمود که معلمان کودکان خردسال باید در هر محله و آبادی باشند و کودکان در سن شش یا هفت سالگی به مدرسه فرستاده شوند.<sup>2</sup>

آموزش عمومی اجباری در انگلستان که قدرتمندترین نیروی پادشاهی بود تا ۱۸۷۰ هنوز وجود نداشت، یعنی ۱۸ قرن بعد از اجباری شدن آموزش در میان یهودیان. یوسفوس حدوداً در همان زمانی که یهوشو بن گاملا این سخنان را بیان کرد، نوشت:

اگر از هر فردی از ملت ما درمورد قوانین پرسیده شود، باید قوانین را به همان راحتی که نام خود را به یاد می آورد، تکرار کند. نتیجه آموزش همگانی قوانین از همان ابتدای هوشمند شدن افراد ما آن است که این قوانین در روح ما حک می شوند.<sup>3</sup>

اینک ارتباطی را که حکیمان تلمودی میان بیابان و اعطای تورات برقرار کردند درک می کنیم: برای همگان آزاد و رایگان بود. نه تنگدستی و نه تبار اشرافی کسی را از آموزش تورات و کسب امتیاز در جامعه ای که فرهیختگی بالاترین موفقیت بود، باز نمی داشتند.

---

<sup>2</sup> Baba Batra, 21a.

<sup>3</sup> Contra Apionem, ii, 177-78.

ایسرائل به سه تاج مزین شد: تاج تورات، تاج کهانت و تاج پادشاهی. تاج کهانت به فرزندان اهرون [هارون] سپرده شد... تاج پادشاهی به فرزندان داوود سپرده شد... اما تاج تورات به همه اسرائیل تعلق دارد.. هر کس به آن مایل است، بیاید و بگیرد.<sup>4</sup>

من باور دارم که یکی از عمیقترین اندیشه های یهودیت از این قرار است: هر نظمی را می خواهی در دنیا برقرار کنی، از آموزش آغاز کن. اگر جامعه ای عادلانه و همدلانه می خواهی، از آموزش شروع کن. اگر جامعه ای استوار بر کرامت همگان می خواهی، تضمین کن که آموزش، رایگان و در اختیار همگان باشد. این نتیجه را حکیمان تلمودی از این نکته گرفتند که بمیدبار را پیش از شاووعوت می خوانیم: جشنواره ای برای یادآوری این که خدا هنگام اعطای تورات به نیاکان ما آنها مساوی به همگان ارزانی داشت.

شبات شالوم



برای دیگر آثار ربای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - [www.rabbisacks.org](http://www.rabbisacks.org)  
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر ربای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

\*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط  
شیریندخت دقیقیان Persian Translation by Shirin D. Daghighian

<sup>4</sup> Maimonides, Hilkhoh Talmud Torah, 3:1.